



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

درس هشتم فصل دوم : نگاهی به تاریخچه معرفت

- انسان از سه طریق می تواند به معرفت برسد : حس، عقل، شهود
- درباره ارزش این سه راه و میزان توانایی آنها در رساندن انسان به معرفت ، همواره میان فیلسوفان بحث و گفت و گو بوده است .
- گروهی به حس و گروهی دیگر به عقل اهمیت بیشتری داده و هر گروه هم دلایلی برای مدّعی خود آورده اند .
- برخی نیز شهود قلبی را معتبر دانسته اند .

□ چهار دوره تاریخ فلسفه: تاریخ فلسفه را می توان به دوره های زیر تقسیم کرد:

- ۱- دوره یونان باستان : شامل فیلسوفان پیش از سقراط و بعد از وی از جمله افلاطون و ارسطو و شاگردان این دو
 - ۲- فیلسوفان اروپایی دوره قرون وسطی تا ابتدای رنسانس و آغاز دوره جدید در اروپا .
 - ۳- دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران : ظهور فیلسوفانی مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، شیخ اشراق و ملاصدرا
 - ۴- دوره جدید اروپا که از رنسانس با ظهور فیلسوفانی مانند فرانسیس بیکن، دکارت، کانت و هگل آغاز می شود و تاکنون ادامه دارد.
- در تمام این دوره ها، درباره معرفت شناسی و میزان کارآمدی هر یک از ابزارهای معرفت مباحث مختلفی صورت گرفته است که هر کسی بخواهد در دانش فلسفه تبخّر داشته باشد، باید از آن مباحث آگاه باشد .

الف (دوره یونان باستان

□ آغاز اختلاف : عقل یا حس

- دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط، از اولین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده اند.
- در دوره یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما « مسئله شناخت » و میزان انطباق آن با « واقعیت » مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود.
- دانشمندان پیش از سقراط به شناخت حسی اهمیت می دادند و توجه کمتری به شناخت عقلی داشتند.

تفاوت دیدگاه معرفت شناسی هراکلیتوس و پارمیندس

□ دیدگاه معرفت شناسی هراکلیتوس

- علاوه بر حس ، عقل هم اهمیت دارد.
- شناخت حسی معتبر است و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.

□ دیدگاه معرفت شناسی پارمیندس

- شناخت حسی به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، اعتبار ندارد و نمی توان بدان تکیه کرد.
- حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.

□ دیدگاه معرفت شناسی سوفسطائیان

- سوفسطائیان به سبب اختلاف نظرها و مغالطه هایی که خودشان بدان متوسل می شدند، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده ، مدعی شدند که از راه حس و عقل، نمی توان به حقیقت رسید و اگر چیزی را حس می کنیم بدان معنا نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر می دهد. به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم.

□ دیدگاه معرفت شناسی پروتاگوراس مشهورترین سوفسطائیان

پروتاگوراس که طرز تلقی سوفسطائیان را داشت، می گفت:

- حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد، خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت.
- حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد.
- اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.

□ دیدگاه معرفت شناسی سقراط ، افلاطون و ارسطو

- در میان مجادلات طرفداران عقل و حس، حکیمانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطو کوشیدند راه های معتبر شناخت و روش های رسیدن به آن را تبیین کرده و راه های گریز از خطا را هم توضیح دهند.
- ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود .
- افلاطون که به عقل اهمیت می داد، عقیده داشت که :
- شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی است و اموری را که عقل درک می کند، ارزش برتری دارد.
- عقل می تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید. وی نام این جهان برتر را عالم مُثُل نامید. عالم طبیعت سایه عالم مُثُل است.
- افلاطون شهود قلبی را هم باور داشت و معتقد بود که سقراط آن عالم برتر را مشاهده کرده است.
- ارسطو نیز گرچه ادراک حسی را معتبر می دانست، اما استدلال کردن را یک کار عقلی معتبر می شمرد. به نظر او عقل می تواند به اموری ماورای حس پی ببرد و آنها را اثبات نماید.

ب) دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران

- در این دوره فیلسوفان بزرگی ظهور کردند که همگی سه ابزار حس و عقل و قلب را معتبر می دانستند، با این تفاوت که برخی از آنها بیشتر درباره حس و عقل سخن گفته اند، برخی به شهود قلبی توجه ویژه کرده اند و برخی نیز میان حس و عقل و قلب و شهود و حیانی پیوند برقرار ساخته و از هر سه بهره برده اند.

تداوم اعتبار حس و عقل

□ دیدگاه معرفت شناسی فارابی و ابن سینا

- حکیم ابونصر فارابی (قرن سوم و چهارم هـ. ق) و شیخ الرئیس ابن سینا (قرن چهارم و پنجم هـ. ق) که از فیلسوفان بزرگ اسلام و جهان به شمار می آیند، مانند افلاطون و ارسطو، حس و عقل را نیز معتبر می دانستند.
- فارابی و ابن سینا برای شناخت و حیانی هم اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد.
- فارابی و ابن سینا نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند.
- ابن سینا در یکی از کتاب های خود که به تبیین عرفان می پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال های فلسفی سخنی نمی گوید.

□ دیدگاه معرفت شناسی سهروردی

- شیخ شهاب الدین سهروردی مشهور به شیخ اشراق (قرن ۶ هـ. ق) علاوه بر فلسفه، در عرفان شخصیتی مهم به شمار می رود.
- سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

□ دیدگاه معرفت شناسی ملاصدرا (بهره مندی از همه ابزارهای معرفت)

- ملاصدرای شیرازی، فیلسوف بزرگ قرن یازدهم هجری، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد.
- ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است
- ملاصدرا پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت و حیانی برقرار و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند .
- ملاصدرا در کتاب « مبدأ و معاد » می گوید : عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت آنور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

□ دیدگاه معرفت شناسی اسلامی پس از ملاصدرا

- پس از ملاصدرا، فیلسوفان دیگر نیز این راه را ادامه داده و تکامل بخشیدند.
- عموم فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل اند.
- فلاسفه اسلامی معرفت شهودی و و حیانی را نیز قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند.
- علامه سید محمدحسین طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر می گوید: « صدر المتألهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می آید) استفاده نمود. اگرچه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی (ابو نصر فارابی)، ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می خورد، ولی این ملاصدرا است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد .
- در دوره معاصر، عموم فیلسوفان مسلمان این نظر علامه طباطبایی را قبول دارند و معتقدند که عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و درجای خود می توانند ابزاری کسب معرفت باشند .
- معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد؛ یعنی نمی توان صرفاً با اتکاء بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

ج) دوره جدید اروپا

- مقصود از دوره جدید، دوره ای است که از قرن شانزدهم آغاز می گردد و تاکنون ادامه دارد.
- در این دوره اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج می شود، علوم تجربی گسترش می یابد و در حوزه های مختلف اجتماعی، از جمله سیاست، فرهنگ و فلسفه تحولات زیادی رخ می دهد .
- آنچه اکنون مورد توجه ماست، تحولاتی است که در این دوره در بخش « معرفت شناسی » فلسفه اتفاق افتاده است.

□ دو جریان فکری در دوره جدید اروپا : توجه به تجربه – توجه به عقل

الف) توجه به تجربه :

- در دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز می شود، به معرفت شناختی توجه ویژه ای شد و از این دوره به بعد، مسئله معرفت شناسی در کانون مباحثات فلسفی قرار گرفت.
- در این بحث و جدال فلسفی، نزاع بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می رساند یا استدلال عقلی؟

□ تجربه گرایان : برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساسی کسب معرفت می دانستند .

□ عقل گرایان : به عقل و استدلال عقلی اهمیت می دادند.

□ دیدگاه بیکن فیلسوف تجربه گرا:

- بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود.
- به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنبال روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور بماند و پیشرفت نکند.

□ دیدگاه جان لاک فیلسوف تجربه گرا:

- پس از بیکن فیلسوفان دیگری مانند جان لاک، فیلسوف قرن هفدهم انگلستان، روش او را دنبال کردند و بر تجربه گرایی تأکید ورزیدند.
- تأکید جان لاک بر اهمیت تجربه از آن جهت اهمیت داشت که در دوره قرون وسطی کمتر به تجربه توجه می شد و علوم تجربی از عقب ماندگی فوق العاده ای رنج می برد.
- تأکید جان لاک بر اهمیت تجربه، یکی از عوامل توجه دانشجویان و پژوهشگران به علوم تجربی شد و زمینه ساز پیشرفت های علمی گردید.

ب) توجه به عقل :

□ دیدگاه دکارت فیلسوف عقل گرا:

- دکارت فیلسوف و ریاضی دان بزرگ فرانسوی، به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا.
- به اعتقاد دکارت انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.
- البته دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود و خود او نقش مؤثری در پیشرفت علم در اروپا داشت، بخصوص که او یک ریاضی دان بزرگ هم شمرده می شد.
- آنچه وی را از تجربه گرایان جدا کرد، قبول گزاره ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند.
- پس از دکارت، فیلسوفان دیگری پیدا شدند که نظر او را تأیید کردند. این گروه از فیلسوفان به عقل گرایان مشهور شدند.

□ دیدگاه کانت :

- بحث و گفت وگو میان این دو جریان ادامه داشت تا نوبت به کانت در قرن هجدهم میلادی رسید .
- کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند.
- کانت در صدد بود تا نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.
- کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصویری مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیّت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد.
- به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم درک می کند.
- به عنوان مثال، انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی یابد؛ اما وقتی می تواند بگوید طلوع خورشید علت روشن شدن زمین است که به کمک مفهوم علت که خودش در دستگاه ادراکی موجود است و از خارج گرفته نشده، میان تصور طلوع خورشید و تصور روشن شدن رابطه برقرار کند.

□ حرکت به سوی تجربه گرایی مطلق

- تلاش های عقل گرایان در برابر تجربه گرایان تلاش موفقی نبود و تجربه گرایی به صورت یک دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد .
- از این به بعد در میان تجربه گرایان دیدگاه های جدیدی بروز کرد که یکی از مهم ترین آنها **پوزیتیویسم** یا **اثبات گرایی** است .

□ دیدگاه پوزیتیویسم :

- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرده، اوگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم است.
- پوزیتیویست ها علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند، معتقد بودند که اصولاً آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند.
- بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصولاً قابل بررسی علمی نیستند.

□ رشد نسبی گرایی :

- گرچه توجه خاص به تجربه، سبب رشد دانش هایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی شد، اما بی مهری به تفکر عقلی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورد.

نتایج و اشکالات بی مهری به تفکر عقلی :

□ محدودیت های روش تجربی :

- روش تجربی نمی توانست پاسخگوی سؤال های مهم انسان باشد.
- مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار نداشت.
- ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان ها، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد.
- در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان های نسبی گرا در داخل تجربه گرایی ظهور کنند.

□ دیدگاه نسبی گرایی :

- هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است.
- شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.
- مثلاً بر اساس این دیدگاه، به طور مطلق نمی توان گفت « فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند » بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید « من در این وضعیت، فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود »
- نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

□ ظهور پراگماتیسم :

- پراگماتیسم همان مکتب اصالت عمل (مصلحت عملی) است.
- پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت اشیاء را شناخت.
- به عقیده پراگماتیست ها ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند.
- مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند و دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی درست بودن است.
- پراگماتیسم وقتی به حوزه هایی مانند اخلاق، حقوق، دین و حتی هنر وارد می شود، نتایج و تبعاتی دارد؛ این تبعات را امروزه در جوامع مختلف می توانیم مشاهده کنیم .

□ ظهور جریان های دیگر معرفت شناسی در قرن ۲۰ :

- در ادامه تحولات حوزه معرفت شناسی، از اواسط قرن بیستم، جریان های دیگری نیز در اروپا و آمریکا پدید آمد که در واقع مکمل رخدادها و تحولات قبلی به شمار می آید.
- جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد.
- هنوز هم راه های دیگر معرفت، یعنی شهود عرفانی و وحی نیز همچنان طرفدارانی دارند.
- برخی از فیلسوفان معاصر، در حالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند.
- ویلیام جیمز و برگسون از جمله کسانی هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند .

▪ پاسخ فعالیت های درس هشتم

□ مقایسه ص ۶۱ :

سیر اندیشه از پارمنیدس تا ارسطو را مطالعه کنید و به سؤال های زیر پاسخ دهید:

۱. آیا تفاوتی میان نظر پارمنیدس و افلاطون درباره ادراک حسی وجود دارد؟

در این سؤال ، مقایسه نظر پارمنیدس و افلاطون درباره ادراک حسی و محسوسات مطرح شده است.

- پارمنیدس ادراک حسی را معتبر نمی داند، اما افلاطون منکر ادراک حسی نیست و آن را پایین ترین نوع معرفت تلقی می کند.
- پارمنیدس معتقد به حرکت و تغییر نیست. اما افلاطون معتقد است که عالم محسوس عالم تغییر و حرکت است و به همین جهت پایین ترین مرتبه عالم است.

۲. آیا افلاطون و ارسطو اختلاف نظری در معرفت شناسی دارند؟

در این سؤال ، مقایسه افلاطون و ارسطو درخواست شده است.

- افلاطون و ارسطو، هر دو معرفت انسان را دارای ارزش واقع نمایی می دانند و با سوفسطائیان مخالف بودند.
- هر دو هم برای ادراک حسی و هم عقلی اعتبار قائل بودند.
- البته افلاطون ادراک حسی را بسیار پایین تر از ادراک عقلی می دانست و مردم را تشویق به ادراک عقلی می کرد. علاوه بر این، افلاطون ادراک شهودی را هم معتبر می دانست.

۳. آیا می توان میان دیدگاه پارمنیدس و افلاطون وجه تشابهی پیدا کرد؟

در این سؤال از وجه تشابه میان پارمنیدس و افلاطون سؤال کرده است.

- این دو فیلسوف، هر دو، به عالم معقول که عالم ثبات است، اهمیت می دادند و آن را جهان حقیقی تلقی می کردند. می توان از جدول زیر برای نوشتن وجوه افتراق و اشتراک استفاده کرد:

وجوه اشتراک	وجوه اختلاف
توجه و اهمیت دادن به عالم معقول یا عالم ثبات و جهان حقیقی دانستن آن.	پارمنیدس ادراک حسی را معتبر نمی داند، اما افلاطون منکر ادراک حسی نیست و آن را پایین ترین نوع معرفت تلقی می کند. پارمنیدس معتقد به حرکت و تغییر نیست. اما افلاطون معتقد است که عالم محسوس عالم تغییر و حرکت است و به همین جهت پایین ترین مرتبه عالم است.
معتبر دانستن ادراک حسی و عقلی	افلاطون ادراک حسی را بسیار پایین تر از ادراک عقلی می دانست. افلاطون ادراک شهودی را هم معتبر می دانست.

□ تامل ص ۶۲ :

شیخ اشراق بر این عقیده است که فیلسوف، بدون معرفت شهودی، به جایی نمی‌رسد و اگر کسی تصوّر کند که تنها به وسیله مطالعه کتب و بدون سیر و سلوک عرفانی می‌تواند، فیلسوف شود، اشتباه بزرگی کرده است. همان گونه که عارفی که فاقد نیروی تفکر و تحلیل عقلی است، یک عارف ناقص است، فیلسوف و جست و جوگر حقیقت، اگر اسرار الهی را به صورت مستقیم و بی واسطه تجربه نکند، فیلسوفی ناقص و کم قدر خواهد بود.

در این متن تأمل کنید و بگویید حاوی چه پیامی در حوزه معرفت شناسی است؟

- از نظر شیخ اشراق، طی مدارج عالی در فلسفه با طی مدارج در عرفان ارتباط دارد.
- شیخ اشراق معتقد است که بدون استدلال و بدون نیروی تفکر و تحلیل عقلی، عرفان هم ناقص است و عارفی که فاقد قدرت تحلیل است، یک عارف ناقص است.

□ تشخیص ص ۶۷- ۶۶ :

گزاره های زیر را بخوانید و ابتدا مشخص کنید کدام گزاره ها معنای مشترک دارند. سپس تعیین کنید کدام گزاره دیدگاه نسبی گرایی در معرفت را بیان می کند.

۱- به طور کلی شناخت هرکس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد و لزوماً برای فردی دیگر معتبر نیست.

در این گزاره قید «به طور کلی» و «نسبت به خودش» حکایتگر دیدگاه کلی نسبی گرایی است.

۲- در برخی موارد شناخت انسان ها نسبی است و شناخت هر کس برای خودش معتبر است، اما در برخی موارد، انسان ها می توانند به شناخت یکسان دست پیدا کنند.

این گزاره با واقع گرایی تضاد ندارد. اما با نسبی گرایی ناسازگار است. زیرا اگر نسبی گرا بپذیرد که انسان ها در برخی موارد می توانند نظر یکسان داشته باشند، دیگر اختلافی با واقع گرا نخواهد داشت. آنچه نسبی گرا را از واقع گرا جدا می کند، بیان مطلق او درباره نسبی گرایی است.

۳- به طور کلی این امکان برای انسان ها وجود دارد که به شناخت های یکسانی برسند، گرچه ممکن است در برخی موارد شناخت یکسانی نداشته باشند.

این گزاره با گزاره دوم یکسان است، گرچه در بیان متفاوت است.

۴- شناخت انسان ها در بسیاری از موارد نسبی است، اما این سخن به معنای نسبی بودن همه معرفت ها نیست.

این گزاره نیز با گزاره سوم و دوم سازگاری دارد.

۵- انسان ها امکان این را ندارند که بتوانند درباره یک چیز به معرفتی یکسان دست پیدا کنند؛ دیدگاه انسان ها درباره پدیده ها، حتماً متفاوت است.

این گزاره با گزاره اول کاملاً سازگار است و لذا با گزاره دوم و سوم و چهارم اختلاف دارد. این گزاره هم بیان دیگری از نسبی گرایی است.

□ به کار ببندیم ص ۶۸ :

- ۱- ویژگی بارز اندیشه هر یک از دانشمندان زیر را درباره معرفت بنویسید و سپس نظر خود را درباره هر یک بیان کنید.
در این سؤال، دانش آموزان دیدگاه فلاسفه مطرح شده را درباره معرفت می نویسند و نقد خود را ارائه می کنند. در واقع، این فعالیت، چکیده و خلاصه درس است که با نقد و بررسی دانش آموزان باید توأم شود.
 - پارمنیدس در بی اعتباری ادراک حسی سخن گفت و در نتیجه وجود حرکت را انکار کرد.
 - سوفسطائیان به طور کلی منکر واقع نمایی هر ادراکی شدند و گفتند که ما به ازای ادراکات ما، چیزی نیست.
 - افلاطون برای ادراک حسی و عقلی و شهودی، هر سه ارزش قائل بود؛ البته ادراک حسی را پایین ترین و کم ارزش ترین نوع ادراک می دانست.
 - شیخ اشراق همه مراتب معرفت را قبول داشت. اما توجه ویژه ای به معرفت شهودی کرد. او معرفت عقلی بدون شهود و هم معرفت شهودی بدون عقلانیت را رد می کرد.
 - ملاصدرا همه مراتب معرفت را پذیرفت و تلاش کرد سازگاری آنها با یکدیگر را نشان دهد.
 - علامه طباطبایی نیز مانند ملاصدرا همه مراتب و اقسام معرفت را پذیرفت.
 - یبکن برای معرفت حسی و تجربی اهمیت فوق العاده ای قائل بود اما معرفت عقلی را کم فایده می پنداشت.
 - دکارت معرفت عقلی را برتر از معرفت حسی و تجربی می دانست.
 - کانت تلاش کرد اعتبار معرفت عقلی و حسی را بازگرداند که منجر به پیدایش مکتب های جدید در معرفت شناسی شد.
- ۲- به نظر شما چه عواملی باعث شده است واقع نمایی دانش تجربی با اشکال مواجه شود. به طور گروهی با دوستان خود بحث و نتیجه را در کلاس ارائه کنید.
سؤال دوم یک سؤال واگراست و پاسخ های مختلفی می توان به آن داد.
یکی از مهم ترین عوامل، تغییرات و تحولاتی بود که در علوم تجربی رخ داد و در برخی موارد نظریات گذشتگان به کلی باطل شد. مثلاً درباره نظام کیهانی، گذشتگان زمین را مرکز عالم می دانستند و معتقد بودند که خورشید به گرد زمین می چرخد، اما این نظر به کلی غلط از آب درآمد.
- ۳- هر کدام از دیدگاه های زیر به کدام فیلسوف مربوط است؟
 - امری که قابل بررسی تجربی نباشد بی معناست. دیدگاه پوزیتیویست ها است.
 - معرفت تجربی حاصل همکاری حس و عقل است. دیدگاه فلاسفه اسلامی مانند فارابی و ابن سینا و دیدگاه ارسطو فیلسوف یونانی
 - درک حقیقت از راه عقل و شهود معنوی، هر دو، امکان پذیر است. دیدگاه سهروردی
 - میان داده های استدلالی و قطعی عقلی با معارف وحیانی تضادی نیست و هر دو مؤید یکدیگرند. دیدگاه بیشتر فلاسفه اسلامی است که البته ملاصدرا و علامه طباطبایی بر آن تأکید کرده اند.
 - معرفت حسی، عقلی، شهودی و وحیانی، هر کدام در جای خود مفید است.دیدگاه عموم فلاسفه اسلامی است که البته ملاصدرا به تبیین کامل آن پرداخت

سوالات تشریحی

۱- چهار دوره تاریخ فلسفه را نام ببرید.

دوره یونان باستان - فیلسوفان اروپایی دوره قرون وسطی - دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران. - دوره جدید اروپا

۲- دوره یونان باستان شامل چه فیلسوفانی می شود ؟

فیلسوفان پیش از سقراط و بعد از وی از جمله افلاطون و ارسطو و شاگردان این دو

۳- دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران با ظهور چه فیلسوفانی همراه بود ؟

فیلسوفانی مانند فارابی، ابن سینا، ابن رشد، شیخ اشراق و ملاصدرا

۴- دوره جدید اروپا با چه ظهور چه فیلسوفانی آغاز می شود؟ فیلسوفانی مانند فرانسیس بیکن، دکارت، کانت و هگل

۵- اولین دوره معرفت شناسی به کدام دوره باز می گردد و چه مسائلی نظر فیلسوفان این دوره را به خود جلب کرده بود ؟

اولین دوره معرفت شناسی به دوره یونان بازمی گردد. دوره یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما

ارزش شناخت و میزان انطباق شناخت انسان با « واقعیت » از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.

۶- دیدگاه هراکلیتوس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، در مورد شناخت را بنویسید.

هراکلیتوس علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می داد. به اعتقاد وی، شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.

۷- دیدگاه هراکلیتوس در مورد شناخت حسی و حرکت را بنویسید.

به نظر هراکلیتوس، شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.

۸- دیدگاه پارمنیدس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، در مورد شناخت حسی را بنویسید.

پارمنیدس از کسانی بود که شناخت حسی را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، معتبر نمی دانست.

۹- نظر پارمنیدس در مورد وجود حرکت را بنویسید.

حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.

۱۰- عقیده هراکلیتوس و پارمنیدس درباره شناخت حسی و حرکت چه بود ؟

۱۱- چرا نظر هراکلیتوس و پارمنیدس درباره شناخت حسی و حرکت نقطه مقابل یکدیگر است؟

زیرا به نظر هراکلیتوس، شناخت حسی اعتبار دارد و ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم.

اما پارمنیدس از جمله کسانی بود که شناخت حسی را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می دهد، معتبر نمی دانست و

معتقد بود که حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.

۱۲- چه کسانی اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال بردند و چرا ؟

سوفسطائیان به سبب اختلاف نظرها و مغالطه هایی که خودشان بدان متوسل می شدند، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر

سؤال برده و مدعی بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل، می توان به حقیقت رسید و اگر چیزی را حس می کنیم بدان معنا

نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر دهد. به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس در اختیار نداریم.

۱۳- دیدگاه پروتاگوراس در مورد حقیقت را بنویسید.

پروتاگوراس که طرز تلقی سوفسطائیان را داشت، می گفت: حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی

می دهد، خواه حواس افراد یکسان گزارش دهد یا متفاوت. حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت

باشد. اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، در آن نوبت همان طور هستند و هر طور که به نظر تو می آیند، برای

تو نیز همان طور هستند.

۱۴- ارسطو چگونه توانست مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود ؟

ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع رشد سفسطه در جامعه شود .

۱۵- به عقیده افلاطون کدام شناخت مطمئن تر است و چرا ؟

افلاطون که به عقل اهمیت می داد، عقیده داشت که شناخت عقلی بسیار مطمئن تر از شناخت حسی است زیرا اموری را که عقل درک می کند، ارزش برتری دارد. عقل می تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید. وی نام این جهان برتر را عالم مُثُل نامید. عالم طبیعت سایه عالم مُثُل است.

۱۶- عقیده ارسطو در مورد ادراک حسی و عقلی را بنویسید.

ارسطو گرچه ادراک حسی را معتبر می دانست، اما استدلال کردن را یک کار عقلی معتبر می شمرد. به نظر او عقل می تواند به اموری ماورای حس پی ببرد و آنها را اثبات نماید.

۱۷- در دوره شکوفایی فلسفه در جهان اسلام و ایران ، کدام ابزار شناخت ، معتبر تلقی می شد و چه تفاوت هایی میان فیلسوفان این دوره وجود داشت؟

در این دوره فیلسوفان بزرگی ظهور کردند که همگی سه ابزار حس و عقل و قلب را معتبر می دانستند، با این تفاوت که برخی از آنها بیشتر درباره حس و عقل سخن گفته اند، برخی به شهود قلبی توجه ویژه کرده اند و برخی نیز میان حس و عقل و قلب و شهود وحیانی پیوند برقرار ساخته و از هر سه بهره برده اند.

۱۸- دیدگاه فارابی و ابن سینا درباره اعتبار حس و عقل و شناخت وحیانی و شهودی را بیان کنید .

فارابی و ابن سینا مانند افلاطون و ارسطو، هم حس و هم عقل را معتبر می دانستند. آنان علاوه بر اینکه برای شناخت وحیانی اعتبار خاص قائل بودند و آن را یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد، نیم نگاهی هم به شناخت شهودی داشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند.

۱۹- دیدگاه سهروردی درباره معرفت شهودی را بنویسید.

سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

۲۰- ملاصدرا چگونه توانست میان فلسفه و معرفت وحیانی یا میان عقل و وحی پیوند مستحکمی برقرار نماید؟

ملاصدرا با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. وی توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است ،او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند .

۲۱- دیدگاه ملاصدرا درباره ارتباط عقل و دین را توضیح دهید .

ملاصدرا در کتاب «مبدأ و معاد » می گوید: عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت آنور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

۲۲- نظر علامه طباطبایی در مورد نقش ملاصدرا در برقراری پیوند مستحکم میان عقل و وحی را بنویسید.

علامه طباطبایی فیلسوف بزرگ معاصر می گوید: « صدرالمآلهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و

مواد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می آید) استفاده نمود . اگرچه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی (ابو نصر فارابی)، ابن سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می خورد، ولی این صدرالمألهین است که توفیق کامل انجام این مقصد را پیدا کرد .

۲۳- عموم فیلسوفان جهان اسلام، برای کدام ابزار شناخت اعتبار قائل بودند ؟

عموم فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی اعتبار قائل اند. فلاسفه اسلامی همچنین معرفت شهودی و وحیانی را قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند.

۲۴- مقصود از دوره جدید اروپا در تاریخ فلسفه چیست؟ و چه ویژگی هایی دارد ؟

مقصود از دوره جدید، دوره ای است که از قرن شانزدهم آغاز می گردد و تاکنون ادامه دارد. در این دوره جدید، اروپا به تدریج از حاکمیت کلیسا خارج می شود، علوم تجربی گسترش می یابد و در حوزه های مختلف اجتماعی، از جمله سیاست، فرهنگ و فلسفه تحولات زیادی رخ می دهد .

۲۵- در دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز می شود، بحث و جدال فلسفی، بیشتر بر سر چه موضوعاتی بود ؟ در این دوره نزاع فلسفی بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می رساند یا استدلال عقلی؟

۲۶- در دوره جدید فلسفه در اروپا ، حاصل نزاع فلسفی بیکن و دکارت پیدایش دو مکتب تجربه گرایان و عقل گرایان بود . دیدگاه این دو مکتب را بنویسید.

گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند ، به « تجربه گرایان » و گروهی که به عقل و استدلال عقلی اهمیت می دادند، به « عقل گرایان » مشهور شدند .

۲۷- نخستین کسی که در دوره جدید فلسفه در اروپا ، بر اهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود چه کس بود و چه دیدگاهی داشت ؟ بیکن از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور بماند و پیشرفت نکند.

۲۸- تأکید جان لاک بر روش تجربه گرایی از چه جهتی مهم تلقی می شد ؟ این تأکید از آن جهت اهمیت داشت که در دوره قرون وسطی کمتر به تجربه توجه می شد و علوم تجربی از عقب ماندگی فوق العاده ای رنج می برد.

۲۹- چرا نظر دکارت و بیکن در موضوع معرفت شناسی، نقطه مقابل یکدیگر است؟

زیرا دکارت به تفکر عقلی اهمیت بسیار می داد و برعکس بیکن، معتقد بود انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که از تجربه به دست نیامده اند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا. به اعتقاد وی، انسان در فهم این قبیل امور نیازی به حس و تجربه ندارد.

۳۰- آیا اعتقاد دکارت به معرفت های ذاتی انسان که حاصل تجربه نیست به معنای مخالفت او با علوم تجربی است ؟

خیر، دکارت مخالف با تجربه و علم تجربی نبود و خود او نقش مؤثری در پیشرفت علم در اروپا داشت، بخصوص که او یک ریاضی دان بزرگ هم شمرده می شد. آنچه دکارت را از تجربه گرایان جدا کرد، قبول گزاره ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند.

۳۱- وجه تمایز کننده عقیده دکارت با تجربه گرایان چیست؟

آنچه دکارت را از تجربه گرایان جدا کرد، قبول گزاره ها و قواعد عقلانی بود که از طریق تجربه قابل دستیابی نبودند و فقط متکی بر استدلال عقلی بودند.

۳۲- کانت برای آشتی دادن دو دیدگاه تجربه گرایی بیکن و دیدگاه عقل گرایی دکارتی چه اقدامی انجام داد و چه نظریه ای را مطرح کرد؟

کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید هم اعتبار عقل و هم تجربه را اثبات کند. کانت در صدد بود تا نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. کانت بر آن است که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد. به نظر کانت، انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب این مفاهیم درک می کند.

۳۳- آیا تلاش های عقل گرایان در برابر تجربه گرایان اروپایی تلاشی موفقیت آمیز بود ؟

خیر- تلاش های عقل گرایان در برابر تجربه گرایان تلاش موفقی نبود و تجربه گرایی به صورت یک دیدگاه غالب فلسفی در اروپا درآمد .

۳۴- دیدگاه ها « پوزیتیویسم » یا « اثبات گرایی » درباره مباحث معرفت شناسی را توضیح دهید .

پوزیتیویست ها علاوه بر اینکه تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می دانستند، معتقد بودند که اصولا آن دسته از مفاهیم و گزاره ها که تجربه پذیر نیستند و از طریق تجربه نمی توانند مورد بررسی و ارزیابی قرار بگیرند، بی معنا هستند. بنابراین دیدگاه، مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح که تجربه درباره نفی یا اثبات آنها نمی تواند نظر دهد، معنای روشنی ندارند. لذا اصولا قابل بررسی علمی نیستند.

۳۵- پیامدها و نتایج رشد اندیشه نسبی گرایی در معرفت شناسی غرب را بنویسید .

رشد اندیشه نسبی گرایی به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانش هایی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند؛ علمی مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی.

۳۶- چرا توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی، در معرفت شناسی غربی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورده است؟ زیرا اولاً روش تجربی نمی توانست پاسخگوی سؤال های مهم انسان باشد. مثلاً تجربه نمی توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و وجود عوالمی غیر از عالم طبیعت و اساس خوب و بد های اخلاقی اظهار نظر کند؛ زیرا ابزار لازم برای چنین مسائلی را در اختیار نداشت. ثانیاً ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیا و احتمالی بودن بسیاری از نتایج تجربی و تفاوت میان تجربه انسان ها، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد. در هر حال چنین مشکلاتی سبب شد که واقع نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان های نسبی گرا در داخل تجربه گرایی ظهور کنند.

۳۷- نظریه نسبی گرایی در معرفت شناسی را توضیح دهید .

نسبی گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است. بنابراین شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد؛ مثلاً بر اساس این دیدگاه، به طور مطلق نمی توان گفت « فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند » بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید « من در این وضعیت، فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود »

۳۸- نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به چه حوزه هایی راه یافت ؟

نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد و به نسبی گرایی در هویت انسان، اخلاق، دین و حقوق انجامید.

۳۹- دیدگاه معرفت شناسی پراگماتیسم یا مکتب اصالت عمل (مصلحت علمی) در خصوص واقعیت اشیاء ملاک درستی یک عمل را بیان کنید .

پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت اشیاء را شناخت. به عقیده پراگماتیست ها ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند . مثلاً کسی که باور دارد آب در حال جوش بسیار داغ است و دست را می سوزاند، به آب جوش دست نمی زند و دچار سوختگی نمی شود. پس این دانش در عمل برای ما مفید است و همین فایده، به معنی درست بودن است.

۴۰- هر یک از موارد سمت راست با کدام یک از گزینه ها در سمت چپ مرتبط است؟

- | | |
|--|-----------------|
| الف) منکر وجود حرکت | ۱- معرفت وحیانی |
| ب) تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود. | ۲- پارمیندس |
| ج) شناخت حسی را معتبر می دانست. | ۳- برگسون |
| د) اختصاص به پیامبران دارد. | ۴- هراکلیتوس |
| و) سهروردی بر این معرفت تاکید بسیاری داشت. | ۵- اثبات گرایی |
| ه) پوزیتیویسم | ۶- اصالت عمل |
| ی) پراگماتیسم | ۷- معرفت شهودی |

الف) پارمیندس ب) پارمیندس ج) هراکلیتوس د) معرفت وحیانی و) معرفت شهودی ه) اثبات گرایی ی) اصالت عمل

سوالات پاسخ کوتاه

- ۱- انسان از سه طریق می تواند به معرفت برسد. آنها را نام ببرید. عقل - حس - شهود
- ۲- درباره سه طریق رسیدن به معرفت، چه بحث و گفت و گویی همواره میان فیلسوفان بوده است ؟
درباره ارزش این سه راه و میزان توانایی آنها در رساندن انسان به معرفت
- ۳- اولین کسانی که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده اند ، چه کسانی بوده اند؟
دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط
- ۴- فیلسوفان پیش از سقراط به ترتیب ، به کدام شناخت اهمیت می دادند و توجه کمتری به کدام شناخت داشتند؟
شناخت حسی - شناخت عقلی
- ۵- کدام یک از فیلسوفان یونانی پیش از سقراط، به ترتیب علاوه بر حس به عقل هم اهمیت می داد و کدام یک شناخت حسی را معتبر نمی دانست ؟ هراکلیتوس- پارمیندس
- ۶- کدام یک از فیلسوفان یونانی پیش از سقراط، معتقد بود که ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس در می یابیم و درک می کنیم و کدام یک وجود حرکت را انکار می کرد؟ هراکلیتوس- پارمیندس
- ۷- به عقیده افلاطون، کدام شناخت مطمئن تر است؟ شناخت عقلی
- ۸- به عقیده افلاطون ، جهان برتر از جهان طبیعت که عقل می تواند آن را بشناسد و برای آن استدلال ارائه نماید چه نام دارد؟
عالم مُثُل
- ۹- به نظر افلاطون ، عالم طبیعت سایه ای از کدام عالم است.؟ عالم مثل
- ۱۰- افلاطون علاوه بر شناخت عقلی و حسی ، کدام طریق شناخت را باور داشت ؟ شهود قلبی

۱۱- به عقیده افلاطون ، آن عالم برتری که سقراط مشاهده کرده بود چه نام داشت ؟ عالم مثل

۱۲- کدام فیلسوف مسلمان ، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می دهد اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال های فلسفی

سخنی نمی گوید ؟ ابن سینا

۱۳- دو جریان فکری که در دوره جدید در اروپا شکل گرفت را نام ببرید . توجه به تجربه و توجه به عقل

۱۴- فیلسوفی که پس از بیکن روش او را دنبال کرد و بر تجربه گرایی تاکید داشت، چه کسی بود ؟ جان لاک

۱۵- یکی از مهمترین جریان های تجربه گرایی که در دوره جدید در اروپا بروز کرد کدام دیدگاه بود ؟ پوزیتیویسم

۱۶- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرده، کدام فیلسوف بود؟ اوگوست کنت

۱۷- نام دو تن از فیلسوفان معاصر غرب که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دهند، را

بنویسید. ویلیام جیمز و برگسون

جاهای خالی را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید.

۱- اولین دوره معرفت شناسی به دوره بازمی گردد. یونان

۲- در دوره یونان که معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، و میزان انطباق شناخت انسان با از مسائلی بود که

نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود. ارزش شناخت - واقعیت

۳- پارمنیدس، شناخت معتبر نمی دانست و تنها برای شناخت ارزش قائل بود. حسی - عقلی

۴- پارمنیدس معتقد بود که وجود ندارد؛ زیرا از طریق برای ما معلوم شده و احتمال خطا در آن وجود دارد. حرکت - حس

۵- به عقیده هراکلیتوس شناخت معتبر است و به همین دلیل وجود را در عالم قبول داشتند. حسی - حرکت

۶- سوفسطائیان ، با زیرسؤال بردن اصل امکان شناخت مدعی شدند که از راه حس و عقل، نمی توان به رسید.

واقعیت - حقیقت

۷- پروتاگوراس که طرز تلقی ... را داشت، می گفت حقیقت چیزی است کههرکس به آن گواهی می دهد. سوفسطائیان- حواس

۸- به نظر افلاطون، عالم طبیعت، ، عالم مثل است و اگر انسان به آن جهان برتر راه یابد، می تواند آن را نظاره کند.

سایه - حقایق

۹- از نظر افلاطون، ابزار توانایی درک جهان طبیعت را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با و شهود امکان پذیر

است. حس - عقل

۱۰- سهروردی بر.... تأکید بسیاری کرد وکوشید، آنچه را که از طریق اشراق به صورت الهامات به دست آورده بود، تبیین

استدلالی کند و نظام فلسفی خود را بر پایه آنها بنا نماید. معرفت شهودی - شهودی

۱۱- ملاصدرا ، با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت ،راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت در

کنار معرفت بهره ببرد. شهودی - عقلی

۱۲- ملاصدرا توانست پیوند مستحکمی میان و برقرار و اثبات کند عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند.فلسفه- معرفت وحیانی

۱۳- عموم فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت و هم برای معرفت اعتبار قائل اند. حسی - عقلی

۱۴- در دوره جدید ، فلسفه در اروپا از قرن ۱۶ با پیشگامی وآغاز شد. فرانسیس بیکن - دکارت

۱۵- در قرن ۱۶ میلادی به توجه ویژه ای شد و از این دوره به بعد، این مسئله درکانون مباحثات قرار گرفت.

معرفت شناسی - فلسفی

- ۱۶- در قرن ۱۶ میلادی، نزاع فلسفی بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا ارزش و اعتبار بیشتری دارد و بهتر ما را به حقایق می‌رساند یا ؟ حس (تجربه) - استدلال عقلی
- ۱۷- از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می‌ورزید و به اصالت معتقد بود. یکن - تجربه
- ۱۸- گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل اند و آن را اساس کسب معرفت می‌دانستند، به مشهور شدند. تجربه گرایان
- ۱۹- گروهی که به عقل و استدلال اهمیت می‌دادند، به و آن را اساس کسب معرفت می‌دانستند، به مشهور شدند. عقل گرایان
- ۲۰- به نظر یکن، فیلسوفان گذشته با دنباله روی از، بیشتر براستدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود. ارسطو - تجربی
- ۲۱- دکارت به تفکر اهمیت بسیار می‌داد و برعکس یکن، معتقد بود انسان به طور معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می‌کند. عقلی - ذاتی
- ۲۲- به اعتقاد دکارت انسان در فهم و نیازی به حس و تجربه ندارد. نفس مجرد - وجود خدا
- ۲۳- کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید، نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری و است. حس - عقل
- ۲۴- به نظر کانت، قوه انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد. ادراکی - علیت
- ۲۵- تلاش کانت برای آشتی دادن و به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب از جمله پوزیتیویسم منجر شد. عقل گرایان - تجربه گرایان
- ۲۶- از نظر پوزیتیویست ها، اموری که از طریق قابل بررسی نیستند، اصولاً اموری هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است. تجربه - بی معنا
- ۲۷- به اعتقاد پوزیتیویست ها، تنها اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که قابل ارزیابی و باشند. حسی - تجربی
- ۲۸- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرده، است. اوگوست کنت
- ۲۹- رشد اندیشه، به حاشیه رفتن جریان و توجه خاص به مسئله تجربه، سبب رشد دانش هایی مانند فیزیک، شیمی، پزشکی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند. نسبی گرایی، عقل گرایی
- ۳۰- بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می‌رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است. پس شناخت هرکس برای خود و نسبت به خود دارد. نسبی گرایان - اعتبار
- ۳۱- پراگماتیسم همان مکتب اصالت است و پراگماتیست ها معتقدند که از طریق نمی‌توان واقعیت را شناخت. عمل (مصلحت عملی) - تجربه
- ۳۲- پراگماتیست ها می‌گویند هدف ما کشف نیست، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در به کار ما بیایند. واقعیت - عمل
- ۳۳- و از جمله کسانی هستند که به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقدند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می‌دهند. ویلیام جیمز - برگسون
- تعیین کنید کدام عبارت صحیح و کدام غلط می‌باشد.

- ۱- اولین دوره معرفت شناسی به دوره یونان بازمی‌گردد. درست
- ۲- دوره جدید فلسفه در اروپا معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، نادرست
- ۳- «ارزش شناخت» و میزان انطباق شناخت انسان با «واقعیت» مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود. درست
- ۴- هراکلیتوس شناخت حسی را، به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، معتبر نمی‌دانست. نادرست

- ۵- هر اقلیتوس تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود. نادرست
- ۶- به نظر پارمنیدس حرکت وجود ندارد؛ زیرا از طریق حس برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حس وجود دارد. درست
- ۷- پارمنیدس شناخت حسی معتبر است و حرکت را در عالم قبول داشتند. چون حرکت قابل مشاهده حسی است. نادرست
- ۸- سوفسطائیان با زیر سؤال بردن اصل امکان شناخت واقعیت، مدعی شدند که از راه حس و عقل، نمی توان به حقیقت رسید. درست
- ۹- به نظر، پروتاگوراس حقیقت چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد. درست
- ۱۰- به عقیده پروتاگوراس حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد. درست
- ۱۱- ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در مبارزه با سوفسطائیان برداشت. درست
- ۱۲- ارسطو با تدوین منطق، شیوه های مصون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش داد و مانع دچار شدن انسان ها به سفسطه شود. درست
- ۱۳- به نظر افلاطون، عالم طبیعت، سایه عالم مثل است و اگر انسان به جهان برتر راه یابد می تواند حقایق آن را نظاره کند. درست
- ۱۴- از نظر افلاطون، ابزار حسی فقط توانایی درک جهان طبیعت را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است. درست
- ۱۵- به نظر افلاطون، گرچه حس اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا صرفاً جهان سایه ها را به ما نشان می دهد نه آن جهان برتر را. درست
- ۱۶- فارابی و ابن سینا فیلسوفان بزرگ اسلام و جهان، مانند افلاطون و ارسطو، فقط عقل را معتبر می دانستند. نادرست
- ۱۷- فارابی و ابن سینا برای شناخت و حیانی اعتبار خاص قائل بودند و آن را هم یکی از راه های شناخت می دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. درست
- ۱۸- فارابی و ابن سینا اعتنایی به شناخت شهودی نداشتند اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی کردند. نادرست
- ۱۹- سهروردی، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورد، تبیین استدلالی کرد و نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید. درست
- ۲۰- ملاصدرا با بهره مندی از همه ابزارهای معرفت، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. درست
- ۲۱- ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره مند است. درست
- ۲۲- ملاصدرا، اثبات نمود که تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی وجود ندارد و عقل و وحی مویذ یکدیگرند. درست
- ۲۳- همه فیلسوفان جهان اسلام، هم برای معرفت حسی و هم برای معرفت عقلی و هم معرفت شهودی و و حیانی اعتبار قائل اند و هر کدام را در جای خود مفید می دانند. نادرست
- ۲۴- در دوره معاصر، عموم فیلسوفان مسلمان نظر علامه طباطبایی را قبول دارند. درست
- ۲۵- عموم فیلسوفان مسلمان معاصر معتقدند که عقل و حس و شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند. درست
- ۲۶- دوره جدید فلسفه در اروپا از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و کانت آغاز شد. نادرست
- ۲۷- دکارت از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود. نادرست
- ۲۸- به نظر بیکن فیلسوفان گذشته با دنباله روی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند و در نتیجه علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده بود. درست
- ۲۹- به نظر کانت، انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا. نادرست

- ۳۰- کانت کوشید با طرح دیدگاهی جدید نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. درست
- ۳۱- به نظر کانت قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و می تواند آنها را از راه حس و تجربه به دست آورد. نادرست
- ۳۲- تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب از جمله پراگماتیسم منجر شد. نادرست
- ۳۳- از نظر پراگماتیست ها، اموری که از طریق تجربه قابل بررسی نیستند، بی معنا هستند و بشر به علی به آنها معتقد شده است. نادرست
- ۳۴- به اعتقاد پوزیتیویست ها، تنها اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند. درست
- ۳۵- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای اولین بار استفاده کرد، اوگوست کنت است. درست
- ۳۶- به نظر نسبی گرایان شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد. درست
- ۳۷- نسبی گرایی در معرفت شناسی، به تدریج به حوزه هایی مانند انسان شناسی، اخلاق، حقوق و دین نیز وارد شد. درست
- ۳۸- پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت. نادرست
- ۳۹- به عقیده پراگماتیست ها، هدف کشف واقعیت نیست، بلکه ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند و سودمندی خود را نشان دهند. درست
- ۴۰- جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد. درست
- ۴۱- برخی از فیلسوفان معاصر، درحالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند. درست
- ۴۲- ویلیام جیمز و برگسون به شهود عرفانی و تجربه دینی معتقد بودند و به بُعد معنوی انسان اهمیت می دادند. درست

سوالات تستی

- ۱- اولین دوره معرفت شناسی مربوط به کدام دوره است؟
 (۱) رنسانس (۲) یونان باستان (۳) ایران باستان (۴) قرون وسطی
 گزینه ۲
- ۲- در اولین دوره معرفت شناسی در یونان، معرفت شناسی به صورت مستقل مطرح، و شناخت و میزان انطباق شناخت انسان با از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.
 (۱) بود - ارزش - حقیقت (۲) نبود - ارزش - واقعیت (۳) نبود - امکان - واقعیت (۴) بود - امکان - حقیقت
 گزینه ۲
- ۳- کدام مطلب، به ترتیب تفاوت دیدگاه پارمیندس و هراکلیتوس در مورد شناخت را به روشنی بیان می کند؟
 (۱) شناخت حسی معتبر است - شناخت عقلی معتبر نیست (۲) شناخت حسی معتبر نیست - فقط شناخت عقلی معتبر است
 (۳) شناخت حسی معتبر نیست - شناخت حسی معتبر است (۴) شناخت حسی معتبر است - شناخت عقلی معتبر است.
 گزینه ۳
- ۴- کدام مطلب، تفاوت دیدگاه پارمیندس و هراکلیتوس در مورد حرکت را به روشنی بیان می کند؟
 (۱) پارمیندس منکر حرکت است زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم می شود و احتمال خطا در حس وجود دارد.
 (۲) هراکلیتوس منکر حرکت است زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم می شود و احتمال خطا در حس وجود دارد.
 (۳) پارمیندس وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت قابل مشاهده حسی است و شناخت حسی معتبر است
 (۴) هراکلیتوس وجود حرکت را در عالم قبول داشت چون حرکت قابل امری عقلی است و شناخت عقلی معتبر است.
 گزینه ۱
- ۵- کدام گزینه بیانگر اساس فلسفه پارمیندس است؟
 (۱) شناخت حسی معتبر است - انکار حرکت (۲) شناخت حسی معتبر است - پذیرش حرکت
 (۳) شناخت حسی معتبر نیست - انکار حرکت (۴) شناخت حسی معتبر نیست - پذیرش حرکت
 گزینه ۳

۶- کدام یک از موارد زیر در باره پارمنیدس صحیح است؟

- (۱) او اعتقاد داشت احتمال خطا در حس وجود ندارد . (۲) پارمنیدس از فیلسوفان پس از سقراط می باشد .
(۳) وی معتقد بود حرکت وجود دارد . (۴) وی شناخت حسی را به خاطر خطاهایی که دارد معتبر نمی دانست

۷- مهمترین عامل زیر سوال بردن اصل امکان شناخت واقعیت توسط سوفسطائیان چه بود ؟

- (۱) عدم توفیق فلاسفه نخستین یونان در حل مسئله ماده اولیه جهان (۲) یافتن اطلاعات گسترده درباره تمدن های دیگر
(۳) به سبب مغالطه هایی که برای آنها رخ داده بود (۴) بی اعتمادی نسبت به حواس

۸- پروتاگوراس جزء کدام دسته به شمار می رود ؟

- (۱) افلاطونیان (۲) سوفسطاییان (۳) پیروان ارسطو (۴) نو افلاطونیان
۹- جمله « حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد » مربوط به کدام فیلسوف است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

- (۱) هراکلیتوس (۲) افلاطون (۳) پارمنیدس (۴) پروتاگوراس
۱۰- کدام یک ، با نظرات پروتاگوراس سازگار نیست ؟

(۱) حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می دهد.

(۲) هر چیزی، برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می رود.

(۳) حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می تواند متفاوت باشد .

- (۴) اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، برای تو نیز همان طور هستند .

۱۱- مفاد کدام عبارت ، بیانگر نظر خاص پروتاگوراس است ؟

(۱) ادراک حسی انسان ها را به امر ثابتی می رساند. (۲) اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می آیند، برای تو نیز همان طور هستند.

- (۳) انسان ها در مورد حقیقت باهم اختلاف نظر دارند (۴) هر چیزی که انسان درک کند، حقیقت است .

۱۲- برای گریز از خطا با تدوین کتاب گام مهمی برداشت. (کارگاه آموزش مجازی)

- (۱) افلاطون - جمهوری (۲) افلاطون - منطق (۳) ارسطو - مابعد الطبیعه (۴) ارسطو - منطق

۱۳- از نظر افلاطون ... فقط توانایی درک این جهان و درک جهان برتر را به انسان می دهد. (کارگاه آموزش مجازی)

- (۱) عقل و شهود - عقل و شهود (۲) حس - حس (۳) حس - عقل و شهود (۴) عقل و شهود - حس

۱۴- کدام عبارت مثل افلاطونی را به درستی توصیف می کند ؟

(۱) سایه هایی از حقیقت برین اند . (۲) وجود موجودات در عقل هستند.

- (۳) بدل موجودات طبیعی هستند. (۴) اصل و حقیقت هر موجود طبیعی اند.

۱۵- محتوای کدام عبارت با تمثیل غار افلاطون سازگار نیست ؟

(۱) عالم طبیعت، سایه عالم مثل شمرده می شود و اگر انسان به آن جهان برتر مثل راه یابد، می تواند حقایق را نظاره کند.

(۲) ابزارحسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان پذیر است.

(۳) حس اعتبار دارد اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا صرفاً جهان سایه ها را نشان می دهد نه جهان برتر را

- (۴) ابزار حسی معتبر نیست زیرا صرفاً جهان سایه ها را به ما نشان می دهد نه آن جهان برتر را

۱۶- از دیدگاه فیلسوفان مسلمان ابزارهای شناخت چه چیزهایی است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) شناخت حسی و عقلی و شهودی و وحی (۲) شناخت حسی و شهودی و عقل

(۳) شناخت حسی و عقلی و وحی (۴) شناخت تجربی و عقلی و وحی

گزینه ۲

۱۷- شناخت شهودی نزد فارابی چگونه بوده است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) شناخت شهودی را مختص پیامبران می داند .

(۲) شناخت شهودی را قبول دارد اما از ارتباط آن با استدلال فلسفی حرفی نمی زند .

(۳) شناخت شهودی را اصلاً قبول ندارد .

(۴) شناخت شهودی را یکی از ابزارهای شناخت قبول دارد .

گزینه ۱

۱۸- اشتراک فارابی و ابن سینا با افلاطون و ارسطو چیست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) اعتبار عقل و حس (۲) اعتبار عقل بیشتر از حس (۳) اعتبار عقل و بی اعتباری حس (۴) اعتبار حس و بی اعتباری عقل

۱۹- از دیدگاه فارابی و ابن سینا ، منابع معرفتی انسان کدامند ؟

گزینه ۱

(۱) حس - عقل - وحی (۲) وحی - حس - تجربه (۳) حس - عقل - شهود (۴) عقل - شهود - وحی

۲۰- تفاوت فارابی و ابن سینا با سهروردی در مورد معرفت شهودی کدام است ؟

(۱) فارابی و ابن سینا نیم نگاهی به شناخت شهودی داشتند و آن را در تبیین فلسفی خود وارد کردند.

(۲) سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید، آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به

دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و درنهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

(۳) فارابی و ابن سینا بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کردند و کوشیدند، نظام فلسفی خود را بر پایه شهودها بنا نمایند.

گزینه ۲

(۴) سهروردی نیم نگاهی به شناخت شهودی داشت اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نکرد.

۲۱- سهروردی ابزار شناخت را بیشتر از چه طریقی می دانست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۱

(۱) معرفت شهودی (۲) معرفت عقلی (۳) معرفت حسی (۴) معرفت وحی

۲۲- کدام متفکر در قرن یازدهم هجری ، فلسفه اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد؟

گزینه ۲

(۱) قطب الدین شیرازی (۲) ملاصدرای شیرازی (۳) خواجه نصیرالدین طوسی (۴) علامه طباطبایی

۲۳- ملاصدرا معتقد است عقل و وحی چه رابطه ای با هم دارند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۱

(۱) تأیید کننده یکدیگر (۲) هر کدام نظر و دیدگاه خود را دارند. (۳) تضاد (۴) تناقض

۲۴- ملاصدرا برای کشف حقایق الهیات از و استفاده نمود. (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۳

(۱) برهان - شهود - حس (۲) حس - عقل - شهود (۳) برهان - شهود - دین (۴) برهان - حس - دین

۲۵- ملاصدرا برای چه فلسفه ای افسوس می خورد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) فلسفه ای که با تجربه در تضاد نباشد . (۲) فلسفه ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.

گزینه ۲

(۳) فلسفه ای که دین را برتر از عقل نداند (۴) فلسفه ای که دین و عقل با هم تعارض داشته باشند .

۲۶- ریشه نظرات ملاصدرا را در کدام فیلسوفان می توان پیدا کرد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

گزینه ۴

(۱) خواجه نصیر الدین طوسی، ابن سینا (۲) سهروردی، ابن سینا (۳) ابن سینا، فارابی (۴) همه موارد

۲۷- با توجه به نظر ملاصدرا کدام مطلب را نمی توان برداشت کرد ؟

۱) نمی توان پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد زیرا فلسفه مطابق با کتاب و سنت خداوندی نیست.

۲) تضاد و تناقضی میان داده های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد، بلکه عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند .

۳) عقل و دین در همه احکام با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد.

۴) می توان پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد .

گزینه ۱

۲۸- علامه طباطبایی درباره ملاصدرا معتقد است که وی پایه های بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان و و گذاشت. (کارگاه آموزش مجازی)

۱) عقل - شهود - کشف ۲) حس - شرع - وحی ۳) عقل - شهود - شرع ۴) عقل - وحی - شهود

گزینه ۳

۲۹- در دوره معاصر ، عموم فیلسوفان مسلمان نگرش کدام فیلسوف را درباره مبحث زیر پذیرفتند ؟

» صدرالمتألهین پایه بحث های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف و شرع گذاشت و در راه کشف حقایق

الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی و مواد قطعی دینی استفاده نمود.» پس عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در

جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند.

۱) علامه طباطبایی ۲) محی الدین عربی ۳) حضرت امام خمینی ۴) شیخ طوسی

گزینه ۱

۳۰- نخستین کسانی که در دوره جدید فلسفه در اروپا در قرن شانزدهم ، مسائل معرفت شناسی را به طور منظم و جدی مورد

بحث قرار دادند و سبب شد مسئله معرفت شناسی در کانون مباحثات فلسفی قرار گرفت، چه کسانی بودند؟

۱) هیوم - کانت ۲) کانت - دکارت ۳) بیکن - دکارت ۴) کانت - بیکن

گزینه ۳

۳۱- پیشگام دوره جدید فلسفه در اروپا چه کسانی هستند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

۱) دکارت و کانت ۲) کانت و اگوست کنت ۳) بیکن و دکارت ۴) بیکن و کانت

گزینه ۳

۳۲- گروهی که برای تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می دانستند چه گروهی بودند؟

(کارگاه آموزش مجازی)

۱) تجربه گرایان ۲) عقل گرایان ۳) پدیدارگرایان ۴) اثبات گرایان

گزینه ۱

۳۳- نخستین کسی که دوره جدید فلسفه در اروپا ، در بحث معرفت شناسی بر اهمیت حس و تجربه اصرار ورزید و به اصالت

تجربه معتقد شد چه کسی بود ؟

۱) کانت ۲) دکارت ۳) بیکن ۴) هیوم

گزینه ۳

۳۴- فرانسیس بیکن از فلاسفه کدام مکتب فکری محسوب می شود؟

۱) پوزیتیویسم ۲) عقل گرایان ۳) اثبات گرایان ۴) تجربه گرایان

گزینه ۴

۳۵- مهمترین ویژگی فرانسیس بیکن چیست ؟

۱) تأکید بر عقل ۲) تأکید بر تجربه ۳) تأکید بر اشراق الهی ۴) تأکید بر شهود

گزینه ۲

۳۶- کدام گزینه با توجه به اندیشه های بیکن درست است ؟

۱) بدلیل دنباله روی فیلسوفان گذشته از ارسطو، تکیه بر استدلال عقلی ، علوم تجربی در خرافات محصور شده و پیشرفت نکرده است.

۲) انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا

۳) انسان در فهم امور عقلانی نیازی به حس و تجربه ندارد.

گزینه ۱

۴) معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.

۳۷- بیکن دلیل محصور ماندن و پیشرفت نکردن علوم تجربی را چه می داند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) پیروی کردن فیلسوفان قدیم از ارسطو و تجربه (۲) پیروی کردن فیلسوفان قدیم از ارسطو و استدلال عقلی

(۳) اهمیت دادن فیلسوفان قدیم به حس و عقل با هم (۴) اهمیت دادن فیلسوفان قدیم به حس و تجربه
گزینه ۲

۳۸- کدام گزینه با توجه به اندیشه های دکارت درست است ؟

(۱) بدلیل دنباله روی فیلسوفان گذشته از ارسطو، و تکیه بر استدلال عقلی، علوم تجربی در خرافات و تعصب های بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده است.

(۲) انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آنها را با عقل درک می کند مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا

(۳) انسان در فهم امور عقلانی نیز نیازمند حس و تجربه است.

(۴) معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است.
گزینه ۲

۳۹- اعتقاد به این که انسان به طور ذاتی معرفت هایی دارد که آن را با عقل درک می کند مربوط به کدام فیلسوف است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) کانت (۲) بیکن (۳) ارسطو (۴) دکارت
گزینه ۴

۴۰- دکارت در فهم کدام امور معتقد است نیازی به حس و تجربه نیست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) اعتقاد به عوالم هستی (۲) اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا (۳) اثبات وجود جسمانی (۴) اعتقاد به احکام دینی
گزینه ۲

۴۱- دغدغه کانت آشتی دادن میان کدام دیدگاه ها بوده است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) پراگماتیسم ها و تجربه گرایان (۲) شک گرایان و عقل گرایان (۳) اثبات گرایان و عقل گرایان (۴) عقل گرایان و تجربه گرایان

۴۲- این عقیده که انسان آن چه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب مفاهیم زمان و... قرار می دهد و درک می کند از

کیست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) دکارت (۲) آگوست کنت (۳) کانت (۴) بیکن
گزینه ۳

۴۳- بر اساس اندیشه های کانت کدام گزینه درست نیست ؟

(۱) معرفت، حاصل همکاری عقل ، حس و امور وجدانی و شهودی است.

(۲) قوه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علیت را نزد خود دارد و آنها را از راه حس و تجربه به دست نمی آورد.

(۳) انسان آنچه را که از طریق حس به او می رسد، در قالب مفاهیم ادراکی قرار می دهد و درک می کند.

(۴) انسان روشن شدن زمین را بعد از طلوع خورشید درمی یابد و این دریافت، ناشی از همکاری دستگاه ادراکی با حس است که

یکی بعدیت زمانی را می فهمد و دیگری تصویرها را از خارج به دستگاه ادراکی می رساند.
گزینه ۱

۴۴- تلاش کانت برای آشتی دادن عقل گرایان و تجربه گرایان به پیدایش دیدگاه های جدیدی در معرفت شناسی غرب منجر شد

(۱) پوزیتیویسم (۲) پراگماتیسم (۳) نسبی گرایی (۴) اصالت عمل
گزینه ۳

۴۵- یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را برای نخستین بار استفاده کرد،... فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم بود.

(۱) کانت (۲) آگوست کنت (۳) ویلیام جیمز (۴) برگسون
گزینه ۲

۴۶- آگوست کنت در کدام گروه فیلسوفان قرار می گیرد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) پراگماتیست ها (۲) عقل گرایان (۳) نسبی گرایان (۴) پوزیتیویست ها

۴۷- از دیدگاه چه کسانی اموری که از طریق تجربه قابل بررسی نباشند؛ اموری بی معنا هستند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) عقل گرایان (۲) سوفسطائیان (۳) تجربه گرایان (۴) اثبات گرایان
گزینه ۴

۴۸- بر اساس فلسفه اثبات گرایی یا پوزیتیویسم شناختی معتبر و اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که

(۱) قابل ارزیابی شهودی نبوده اما با کمک عقل عملی و اخلاق وجدانی اثبات شده است .

(۲) قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند و با استفاده از روش تجربی اثبات شوند .

(۳) با بررسی های محققانه فیلسوفان به اثبات رسیده باشد.

(۴) قابل ارزیابی عقلی و استدلالی اند درغیراین صورت ارزش معرفتی ندارند.

۴۹- کدام مطلب نادرست است ؟

(۱) پوزیتیویسم مورد نقد بسیاری از فلاسفه اروپایی قرار گرفت .

(۲) امروزه دیدگاه های دیگری در برابر پوزیتیویسم مطرح گردیده است.

(۳) در اکثر دیدگاه هایی که امروزه در برابر پوزیتیویسم مطرح شده، همچنان اصل و اساس تجربه گرایی و عدم توانایی عقل در کسب معرفت مستقل از تجربه غلبه دارد و نظر غالب فلاسفه اروپایی را تشکیل می دهد.

(۴) امروزه نظر غالب فلاسفه اروپایی به حاشیه رفتن تجربه و توجه مجدد به استدلال عقلی است .

گزینه ۴

۵۰- آگوست کنت به چه چیز معتقد نبود؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) امور ماوراء حسی ارزش معرفتی ندارند.

(۲) عقل ابزار کسب معارف غیر حسی است.

(۳) تنها اموری که حس می شوند ارزش پژوهش و تحقیق را دارند

(۴) اموری که از طریق تجربه به دست می آیند، معرفت محسوب می شوند .

گزینه ۲

۵۱- کدام مورد سبب رشد دانش هایی مانند فیزیک، شیمی، زیست شناسی و پزشکی شد که بر تجربه و آزمایش های تجربی استوار بودند؟

(۱) رشد اندیشه مطلق گرایی- به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - توجه خاص به مسئله تجربه

(۲) رشد اندیشه نسبی گرایی- توجه خاص به استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - به حاشیه رفتن تجربه

(۳) رشد اندیشه نسبی گرایی - به حاشیه رفتن استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - توجه خاص به مسئله تجربه

(۴) رشد اندیشه مطلق گرایی- توجه خاص به استدلال عقلی و جریان عقل گرایی - به حاشیه رفتن تجربه

گزینه ۳

۵۲- کدام یک از مکاتب زیر از لحاظ فکری به سوفسطائیان نزدیک ترند؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) نسبی گرایان (۲) عقل گرایان (۳) پراگماتیسم (۴) تجربه گرایان

گزینه ۱

۵۳- باور نسبی گرایی بر چه مبنایی استوار است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) نسبی بودن اعتبار شناخت (۲) معتبر بودن شناخت هر فرد برای همه اشخاص

(۳) نسبی بودن شناخت فرد و اعتبار شناختش (۴) نسبی بودن شناخت هر فرد متناسب با ویژگی های خود

گزینه ۴

۵۴- محتوای کدام عبارت با دیدگاه نسبی گرایان سازگار نیست ؟

(۱) هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است.

(۲) به طور مطلق نمی توان گفت « فلز بر اثر حرارت انبساط پیدا می کند » بلکه فرد حداکثر می تواند بگوید « من در این وضعیت، فکر می کنم فلز بر اثر حرارت منبسط می شود »

(۳) هر چند که هر فرد متناسب با ویژگی های خود درباره امور به شناختی می رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است اما این شناخت برای همگان معتبر است.

(۴) شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار دارد.

گزینه ۳

۵۵- اشکالاتی که به دلیل توجه ویژه به تجربه و بی مهری به تفکر عقلی وارد شد، در همه گزینه آمده است به جز

(۱) تجربه توانایی تبیین هر مسئله ای را ندارد زیرا توانایی آن محدود به حس و تجربه است.

(۲) مسائلی مانند خطاهای تجربه، تغییرات علوم تجربی و تفاوت های موجود در تجربه انسان های مختلف، می توانست قطعیت احکام تجربی را از میان ببرد

(۳) واقع نمایی دانش تجربی، باز با اشکال رو به رو شد و جریان های دیگر فلسفی برای تبیین جایگاه دانش تجربی پیدا شدند.

(۴) شناخت هر کس برای خودش و نسبت به خودش اعتبار خواهد داشت .

گزینه ۴

۵۶- توجه به حس و تجربه چه اشکالات نظری را پیش آورد؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) توانایی توضیح همه مسائل-تغییرات علوم تجربی (۲) قطعیت احکام تجربی-بیان خوبی و بدی اخلاقی

(۳) عدم توانایی تبیین همه مسائل- خطاهای تجربه (۴) عدم پاسخگویی تجربه به مسئله وجود عوالم دیگر، پایدار بودن آزمایش های تجربی

۵۷- پراگماتیسم به چه معناست؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) تجربه گرایی (۲) عقل گرایی (۳) اثبات گرایی (۴) عمل گرایی

۵۸- منظور از پراگماتیسم و پوزیتیویسم به ترتیب چیست؟

(۱) اصالت عمل - اثبات گرایی (۲) اصالت ذهن - اثبات گرایی

(۳) اثبات گرایی - اصالت عمل (۴) تجربه گرایی - اصالت ذهن

گزینه ۱

۵۹- اصل مکاتب پراگماتیسم و پوزیتیویسم به ترتیب بر اساس چیست؟

(۱) عمل - عقل (۲) حس - شهود (۳) عمل - تجربه (۴) تجربه - عمل

۶۰- کدام مطلب، تمایز و یا تشابه مکتب پوزیتیویسم و پراگماتیسم درمورد شناخت تجربی را بهتر بیان می کند؟

(۱) پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت اما پوزیتیویسم ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت .

(۲) پوزیتیویسم ها معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت اما پراگماتیست ها معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت .

(۳) پراگماتیست ها و پوزیتیویسم ها هر دو معتقدند که از طریق تجربه نمی توان واقعیت را شناخت .

(۴) پوزیتیویسم ها و پراگماتیست ها هر دو معتقدند که از طریق تجربه می توان واقعیت را شناخت .

گزینه ۱

۶۱- در معرفت شناسی پراگماتیسم نه تنها هدف کشف واقعیت بلکه ما نیازمند مفیدی هستیم که در عمل به کار ما بیایند خود را نشان دهند و این فایده به معنی بودن است .

(۱) است - باورهای - سودمندی - درست (۲) نیست - تجربیات - آثار - درست

(۳) نیست - باورهای - سودمندی - درست (۴) است - تجربیات - آثار - درست

گزینه ۳

۶۲- معیار مکتب پراگماتیسم برای درستی یک گزاره چیست؟

(۱) مطابقت با واقع (۲) مفید بودن در زندگی (۳) سازگاری درونی با محیط (۴) سازگاری بیرونی با محیط

گزینه ۲

۶۳- کدام عبارت درست نیست ؟

(۱) پراگماتیسم وقتی به حوزه هایی مانند اخلاق، حقوق، دین و حتی هنر وارد می شود، نتایج و تبعاتی دارد که امروزه در جوامع مختلف می توانیم آن تبعات مشاهده کنیم .

(۲) در ادامه تحولات حوزه معرفت شناسی، از اواسط قرن بیستم، جریان های متعددی در اروپا و آمریکا پدید آمد که در واقع مکمل رخدادهای و تحولات قبلی به شمار می آید .

(۳) به طور کلی جریان تجربه گرایی، که امروزه قالب های جدیدی یافته، همچنان بر عقل گرایی غلبه دارد .

(۴) با وجود قالب های جدید امروزی، راه های دیگر معرفت مانند شهود عرفانی و وحی دیگر طرفدارانی ندارند .

گزینه ۴

۶۴- کدام فیلسوفان معاصر، در حالی که تجربه گرایی را قبول دارند، به شهود معنوی و تجربه دینی نیز معتقد هستند؟

(۱) ویلیام جیمز - آگوست کنت (۲) ویلیام جیمز - برگسون (۳) برگسون - آگوست کنت (۴) بیکن - دکارت

گزینه ۲

۶۵- ویلیام جیمز و برگسون علاوه بر اینکه را قبول دارند به و ... اهمیت می دهند. (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) تجربه گرایی - شهود - تجربه دینی - بعد معنوی انسان (۲) عقل گرایی - بعد معنوی انسان - تجربه حسی - شهود

(۳) تجربه گرایی - عقل - شهود - وحی (۴) عقل گرایی - تجربه حسی - شهود - وحی

۶۶- در حال حاضر رویکرد غالب در اروپا در دوران معاصر کدام است؟ (کارگاه آموزش مجازی)

(۱) پراگماتیسم (۲) تجربه گرایی (۳) پوزیتیویسم (۴) عقل گرایی

گزینه ۲

کدام یک جزء نظرات پوزیتیویسم شمرده نمی شود ؟

(۱) اموری که از طریق تجربه قابل ارزیابی نیستند، اصولاً اموری بی معنا هستند که بشر به عللی به آنها معتقد شده است.

(۲) اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی اند و اگر از طریق تجربه اثبات شوند، معرفت به شمار می روند.

(۳) اموری که از طریق تجربه اثبات می شوند، معرفت به حساب می آیند، درغیراین صورت ارزش معرفتی ندارند و باید کنار گذاشته شوند .

(۴) تنها اموری ارزش تحقیق دارند که قابل ارزیابی عقلی و استدلالی اند درغیراین صورت ارزش معرفتی ندارند.

گزینه ۴